

روش‌شناسی ایضاح مفاهیم نظارت و بازرسی

دکتر رضا عارف^۱

مقدمه

نگاهی به پژوهش‌های حوزه مبارزه با فساد و دستاوردهای تحقیقاتی که درباره علل وقوع جرائم، تخلفات و سوء جریان‌ها انجام شده، نشان می‌دهد که همواره در مجموعه علل و عوامل یادشده، وجود ابهام در قوانین و مقررات، به عنوان عاملی مهم و اساسی بیان می‌شود^۲. به عنوان مثال از زمانی که اصل ۱۷۴ قانون اساسی^۳، وظیفه نظارت بر «حُسن جریان امور» را بر عهده‌ی سازمان بازرسی کل کشور قرارداد، به دلیل ابهامی که در این اصل وجود داشت، این پرسش در مجلس خُبرگان قانون اساسی طرح شد، که تفاوت «حُسن جریان امور» با «اجرای صحیح قوانین» چیست؟ جالب اینجا است که این ابهام در حدود معنای «حُسن جریان امور» همچنان باقی ماند تا اینکه در سال ۱۳۶۰ رئیس وقت سازمان بازرسی، تفسیر اصل یاد شده را از شورای نگهبان جویا شد، اما ظاهراً پاسخ شفاف و روشن‌گرانه‌ای دریافت نکرد^۴.

توجه به مکاتبات صورت‌گرفته در این زمینه، لزوم پرداختن بیشتر به موضوع را نشان می‌داد؛ از این رو سازمان بازرسی کل کشور، میزگردهای تخصصی «بررسی ابعاد حُسن جریان امور و شاخص‌های آن» را برگزار کرد. نتیجه جلسات خُبرگان قانون اساسی در این زمینه، مکاتبات سازمان بازرسی با شورای نگهبان و آن میزگردها، مجموعه‌ای را فراهم آورده که همچنان مؤید بقای ابهام در معنای «حُسن جریان امور» است.

مشابه همین ابهام در دیگر جاهای متون قانونی قابل مشاهده است مثلاً درباره اصول ۱۵۶ قانون اساسی نیز

۱ - دکترای فلسفه، پژوهشگر مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد (سازمان بازرسی کل کشور)

۲ - برای نمونه رک: عارف، رضا، ۱۳۹۴، گزارش پژوهشی «تأملی بر پدیده قانون‌گریزی»، سال هشتم، شماره ۷۹، ص ۳۹.

۳ - اصل ۱۷۴: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»

۴ - رک: ورعی، سید جواد، ۱۳۸۵، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ص ۱۸۹۹
همچنین: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶.

همواره این پرسش‌ها مطرح بوده که منظور از «حُسن اجرای قوانین» چیست؟^۱ این پرسش ظاهراً به وظایف قوه قضائیه^۲ برمی‌گردد. ابهام در این اصل نیز از واژه «حُسن» نشأت می‌گیرد.^۳

نگاهی گذرا به آرای ارائه شده درباره «حسن جریان امور»، سه دیدگاه مختلف را نشان می‌دهد: برخی معتقدند مفهوم «حُسن جریان امور» به قلمرو دانش «حقوق اداری»^۴ تعلق دارد و در همان جا مورد بحث و ایضاح قرار می‌گیرد.^۵ گروهی «حُسن جریان امور» را موضوعی در قلمرو دانش مدیریت می‌دانند. در این نگاه حُسن جریان امور نتیجه فرآیندهای مدیریتی به شمار می‌آید و دانش مدیریت را متکفل ایضاح آن می‌دانند.^۶ برخی دیگر «حُسن جریان امور» را بیش از آن که یک مسأله حقوقی بدانند، مسأله‌ای روانی - اجتماعی به شمار می‌آورد که تابع خواست و ذائقه جمعی مردم است.^۷ آنچه اهمیت دارد این که با وجود تفاوت آشکار میان این دیدگاه‌ها و با نظر به ترکیب اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی، شورای نگهبان، سخنرانان سلسله نشست‌ها و میزگردهایی که سازمان بازرسی کل کشور برگزار کرده است و این که همگی این اعضا غالباً افراد سرشناس کشوری و دانشگاهی بودند، همچنین با توجه به ناکامی این نشست‌ها در رفع ابهام از عبارت «حسن جریان امور»، این پرسش‌ها در ذهن طرح می‌شود که:

اساساً متد یا روش رفع ابهام از این‌گونه مفاهیم چیست؟ آیا علم حقوق عهده‌دار رفع ابهام از این‌گونه مفاهیم مبهم در قوانین است یا بنابراین نظر برخی، علم مدیریت، علم روان‌شناسی، علم جامعه‌شناسی یا سایر علوم و دانش‌های بشری؟

۱ - قانون اساسی، اصل ۱۵۶.

۲ - اصل ۱۵۶: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدامات لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند ۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع ۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین....

۳ - رک: ورعی، سید جواد، ۱۳۸۵، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ص ۱۸۹۹ / همچنین: پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶.

۴ - حقوق اداری شاخه‌ای از حقوق عمومی داخلی است و به مجموعه قواعد گفته می‌شود که حقوق و تکالیف سازمان‌های اداری دولت و روابط آن‌ها با مردم را تعیین می‌کند. حقوق اداری ناظر بر فعالیت‌های مربوط به خدمات عمومی و حفظ نظم عمومی سازمان‌های اداری است و شامل فعالیت‌های سیاسی، قضائی، قانون‌گذاری این سازمان‌ها نمی‌شود. رک: مومنی طباطبائی، منوچهر، ۱۳۸۱، حقوق اداری، تهران، دانشگاه تهران، ج ۷، ص ۲۰.

۵ - رک: امین ورزلی، نصرالدین، حُسن جریان امور؛ کنکاش نظری و مفهومی و شاخص سازی، گزارش پژوهشی (سازمان بازرسی کل کشور)، سال سوم، شماره ۲۴، ۱ مهرماه، ص ۲۶.

۶ - رک: همان، ص ۲۵.

۷ - رک: همان، ص ۳۴ و ۳۶.

هنگام سخن از ابهام در معنای «حُسن جریان امور»، «حُسن اجرای قوانین» و بسیاری از واژه‌ها و عبارت‌های مبهم یادشده در متون قانونی، این را نباید فراموش کرد که پای زبان و متن در میان است و رفع ابهام از زبان و متن دانش‌های زبانی خاص خود را دارد.

نشانه‌شناسی^۱، دانشی است که به مطالعه نشانه‌ها و نمادها از جهت اقسام، عوامل تأثیرگذار در تولید، مبادله، تعبیر آن‌ها و نیز قواعد حاکم بر آن‌ها می‌پردازد. این دانش بیان می‌کند که «مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نشانه‌ها چیست؟» و «قوانینی که بر آن‌ها حکمرانی می‌کند کدام است؟»^۲ اگرچه کلیدواژه «نشانه‌شناخت» را اولین بار جان لاک در سال ۱۶۹۰ در کتاب «رساله‌ای درباره‌ی قوّه فاهمه» به‌کار برد^۳، اما این رشته علمی به روایت مشهور ولی ناموثقی^۴ با سخنرانی‌های فردینان دو سوسور زبان‌شناس سوئیسی در دانشگاه ژنو آغاز شد و پس از وی به کوشش شاگردانش اندیشه‌های او چاپ و منتشر شد.

نشانه‌شناسی خود شاخه‌هایی دارد که یکی از شاخه‌های آن زبان‌شناسی است. در زبان‌شناسی، سخن از سه منظر زیر بررسی می‌شود.^۵

• نحو‌شناسی؛^۶ نحو‌شناسی دانش مطالعه قواعد مربوط به نحوه ترکیب و در کنار هم آمدن واژه‌ها به منظور ایجاد و درک جملات در یک زبان است.

• معناشناسی^۷؛ دانش بررسی خود لغت یا به تعبیری مفرد لغت از جهت معنی و دلالت در زبان‌های انسانی است.^۸

• کاربردشناسی؛^۹ از این منظر زبان‌شناس به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد.^{۱۰}

1 - Semiology / Semiotics / Semeiotics

2 - See: <https://en.wikipedia.org/wiki/Semiotics> [2017/07/17, 11:34]

۳ - همان.

۴ - قبل از سوسور، هومبولت این نظریات را به نحوی بیان کرده بود، اما عدم توجه به نظرات هومبولت باعث شهرت کاذب سوسور شد. رک: <https://fa.wikipedia.org/wiki/زبان‌شناسی> [2017/07/17, 12:13]

5 - See: <https://en.wikipedia.org/wiki/Semiotics> [2017/07/17, 11:34]

6 - Syntax

7 - Semantics

۸ - «معناشناسی» دو معنا دارد گاهی دانشی است در عرض دو دانش «نحو‌شناسی» و «کاربردشناسی» که در آن خود لغت یا به تعبیری مفرد لغت از جهت معنی و دلالت در زبان‌های انسانی بررسی می‌شود و گاهی به مجموع این سه دانش «معناشناسی» اطلاق می‌شود.

9 - Pragmatics

10 - <https://fa.wikipedia.org/wiki/کاربردشناسی> [2017/07/17, 10:41]

هنگامی درک معنای یک عبارت میسر می‌گردد که به تفکیک سه منظر بالا توجه شود. برای روشن تر شدن تفاوت این سه منظر می‌توان این مثال را ذکر کرد:

پدری شب هنگام به فرزندش می‌گوید: «پسرم وقت خواب است.» این جمله از جهت نحوشناسی جمله‌ای است در قالب اخبار و از جهت واژه‌شناختی و لغوی تمام الفاظ و عبارات آن همگی معانی هسته‌ای و اساسی^۱ خود را دارند. از نظر واژه‌شناختی «وقت خواب است.» معنای «فرارسیدن هنگامه خواب» را افاده می‌کند. اما از جهت کاربردشناسی یعنی با در نظر گرفتن بافت یا به تعبیری قرائن، کارکرد این جمله را دارد که: «پسرم برو بخواب» به دیگر سخن وقتی پدری در چنان شرایط می‌گوید «پسرم وقت خواب است.» درست مانند آن است که گفته باشد: «پسرم برو بخواب».

برای عبور از ظاهر الفاظ، عبارات و رسیدن به پیام اصلی مندرج در آن‌ها باید به تفاوت‌های نحوشناختی، واژه‌شناختی و کاربردشناختی مدعای نویسنده یا گوینده توجه شود. توجه به این سه حوزه، «معناشناسی» یا سمانتیک^۲ فهم متن را شکل می‌دهد و این همان دانشی است که بنابر نظر نویسنده، در رفع ابهام از متون به طور عام و متون حقوقی در بحث ما، راهگشا است و از همین رو پرداختن به آن نیز اهمیت دارد.^۳ همان‌طور که به زودی روشن خواهد شد. معناشناسی زبانی، به یک معنا، شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که معتقد است مفاهیم و تصورات فرهنگی یک ملت، قوم یا گروه در کلمات کلیدی زبان آن‌ها تبلور پیدا کرده و تحلیل روشمند زبان وسیله‌ای است برای تفسیر و تصویر آن‌ها، لذا می‌کوشد با عطف توجه به خود زبان و معنا، به استخراج واژگان کلیدی زبان یک ملت، قوم یا گروه و تحلیل روشمند آن‌ها در قالب یک میدان معناشناختی، بپردازد تا آن مفاهیم و تصورات را کشف کند و چگونگی کارکرد ذهن ایشان در درک معنا را، بیابد و از این راه به شناخت جهان بینی ایشان دست پیدا کند. از جمله پیش فرض‌های اساسی این‌گونه معناشناسی، این است که فهم یک زبان منوط به درک هندسه و نظام معنایی است که این نظام معنایی در قالب میدان‌های معناشناختی حاکم بر آن زبان متبلور می‌شود. از این رو هر واژه‌ی کلیدی در میدان معناشناختی و با تحلیل روشمند، در نسبتش با سایر واژه‌ها، بافت کلام، مشتقات آن واژه در متن، وجوه معانی هر مشتق در کاربرد

۱ - معنای «اساسی» در خلال بحث توضیح داده خواهد شد.

2 - Semantics

۳ - رک: علوی مقدم، مهیار، مبانی معناشناسی فهم متن در رویکردهای سنتی و جدید نقد ادبی»، پژوهش زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۲۰۶، سال ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۸.

متنی آن، مترادف‌های هروجه و درنهایت در نسبتش با مفاهیمی که در متن به واژه مورد نظر اسناد داده شده، بررسی و سنجیده می‌شود.

در این مقاله مدعای اصلی نویسنده این است که دانشی که می‌تواند از مفاهیم مبهم نظارت و بازرسی، رفع ابهام کند، دانش معناشناسی و روش‌هایی است که در این دانش توصیه می‌شود.

با توجه به مدعای بالا پاسخ به ۸ پرسش زیر لازم می‌آید.

۱. معناشناسی بر چند قسم است؟ و در این میان کدام قسم مد نظر ما است؟
۲. معنا چیست و درباره معنا چه نگرش‌هایی وجود دارد؟
۳. اصطلاحات مهم در معناشناسی کدام است و مفهوم هریک از آن‌ها چیست؟
۴. در میان اقسام معناشناسی زبانی و روش‌های آن کدام الگومد نظر نویسنده است؟
۵. اصول الگوی معناشناختی مختار نویسنده، چیست؟
۶. منظور از معنا در این الگو (روش مختار) چیست؟
۷. در الگوی مختار نویسنده روش یا روش‌ها هفت‌گانه تجزیه و تحلیل معناشناختی چیست؟
۸. شرایط ساخت میدان معناشناختی کدام است؟

اقسام معناشناسی

در پاسخ به این پرسش که معناشناسی بر چند قسم است؟ و در این میان کدام قسم مد نظر ما است؟ می‌توان گفت «معناشناسی» با ملاک قرار دادن نوع رویکرد بر سه قسم است:

۱. معناشناسی فلسفی که سابقه آن به چهارصد سال قبل از میلاد و آرای افلاطون بازمی‌گردد. این قسم از معناشناسی بخشی از مطالعه فلسفی زبان است.
۲. معناشناسی منطقی که با سابقه‌ای نسبتاً جدید بخشی از منطق ریاضی را تشکیل می‌دهد و در این مقاله مد نظر نویسنده نیست.
۳. معناشناسی زبانی، که شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است و قدمت آن به سده ۱۹ میلادی می‌رسد.^۱ در

۱- رک: همان، ص ۷.

این قسم از معناشناسی، توجه به خود زبان است و در آن با مطالعه زبان و معنا، کشف چگونگی کارکرد ذهن آدمی در درک معنا از راه زبان مد نظر است.^۱

از میان اقسام معناشناسی یاد شده، قسم اخیر همان قسمی است که در این تحقیق مورد نظر است.

ماهیت معنا

منظور از معنا چیست؟ درباره معنا چه نگرش‌هایی وجود دارد؟ سنت ادبی و رویکردهای نوبه نقد ادبی، دو نگرش مهم در تحلیل معنا را نشان می‌دهد.

• قائلان به تعیین معنا؛ در این نگرش معنا امری متعین و مستقل از خواننده لحاظ می‌شود برخی از صاحب نظران، زبان‌شناسان و فیلسوفان همچون فردینان دو سوسور، شلایرماخر، دیلتای و اریک هرش به این دیدگاه باور دارند. در دویست سال اخیر طرفداران این دیدگاه درباره معنا، گرداگرد نظریه‌های «هرمنیوتیک عینی‌گرا»، «مؤلف محوری» و «متن محوری» حلقه زده‌اند. نظریه نشانه‌شناسی فردینان دو سوسور با نگرش تعیین معنا همخوانی دارد. سوسور، نشانه را مجموعه‌ای از دلالت‌گر (تصویر آوایی یا شکل نوشتاری آن) و مدلول (معنای دلالت‌گر) می‌داند که به نحو اختیاری و قراردادی با هم ارتباط دارند، به این معنا که یک دلالت‌گر ممکن بود به مدلول دیگری دلالت کند، اما پس از آن که بر اساس توافق و قرارداد، دلالت‌گر به مدلولی خاص اختصاص یافت و بخشی از نظام زبان شد، نوعی اجبار و ضرورت بر به‌کارگیری این نشانه زبانی حکمفرما می‌شود.^۲

• قائلان به نظریه عدم تعیین معنا (یا خواننده محوری)؛ بنابراین دیدگاه، معنا به خودی خود عینیتی ندارد و به خواننده متن وابسته است. پیروان دیدگاه خواننده محوری، کسانی هستند همچون ژاک دریدا، رولان بارت، و طرفداران هرمنیوتیک تاریخی‌گرا، شالوده شکنی و پساساختارگرایی.^۳

در این مقاله به منظور نشان دادن کارکرد معناشناسی در ایضاح مفاهیم مربوط به نظارت و بازرسی و رفع ابهام از آن‌ها، ناچار باید به معرفی روش معناشناسی پرداخت. از آنجا که پرداختن به معنا و معناشناسی با تمام اقسام و شقوق در این مقاله ممکن نیست، ناگزیر باید دست به گزینش زد.

۱- رک: همان.

۲- رک: همان، ص ۸.

۳- رک: همان، ص ۶.

این نوشته با هدف ارائه روشی کاربردی در جهت رفع ابهام از مفاهیم نظارت و بازرسی، به معرفی گونه‌ای از معناشناسی می‌پردازد که نمونه عالی آن توسط زبان‌شناس، قرآن‌پژوه، اسلام‌شناس و فیلسوف ژاپنی توشیهیکو ایزوتسو در دو اثر «خدا و انسان در قرآن» و «ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» به اجرا درآمد و ترجمه‌های آن در زبان فارسی نیز موجود است. در این راستا اساس و مبنای کار بر محور آرای ایزوتسو خواهد بود که از جهت تبارشناسی، روش و نگرش او را باید در ردیف کسانی چون فردینان دوسوسور قرار داد.

اصطلاحات مهم در معناشناسی

پیش از معرفی روش معناشناسی ایزوتسو لازم است برخی اصطلاحات کلیدی بحث توضیح داده شود این اصطلاحات فهم دیدگاه ایزوتسو و روش مورد نظر او را ممکن می‌کند.

(۱) جهان‌بینی معناشناختی؛ در سمانتیک، کلمات یک معنای اساسی دارند و یک معنای نسبی و هریک به مثابه نمودهای پیچیده اجتماعی- فرهنگی لحاظ می‌شوند که همگی کم یا بیش به‌گونه‌ای برجسته با صبغه منبعث از ساحت فرهنگی محیطی که در حال حاضر در آن هستند رنگین شده اند. تحلیل معناشناختی بُعد نسبی معنای کلمه، به تحقیق موشکافانه درباره شرایط فرهنگی زمانه و مردم زمانه و دانش تخصصی زبان‌شناسی محتاج است. تحلیل معناشناختی تحلیل ساخت صوری یک کلمه نیست همان‌طور که تحقیق در معنی اصلی پیوسته به این کلمه یا همان معنی اشتقاقی آن هم نیست. اشتقاق و ریشه‌شناسی صرفاً اطلاعات اندکی درباره‌ی معنای اساسی کلمه در اختیار ما قرار می‌دهد. تحلیل معناشناختی فراتر از این است. اگر بخواهیم تحلیل معناشناختی را طبقه‌بندی کنیم در طبقه دانش‌های فرهنگی می‌گنجد. ترکیب دو سیمای معنی کلمه (معنای اساسی و معنای نسبی)، یک چهره خاص را که همان وجه برجسته از آن فرهنگ است روشن می‌کند. ویژگی تحلیل معناشناختی مطلوب آن است که بتواند در بازسازی تمام شاخه فرهنگ به همان صورتی که در واقع در تصور مردم وابسته به آن فرهنگ بوده است به ما کمک کند و این تصور همان چیزی است که جهان‌بینی معناشناختی گویند.^۱

(۲) اصطلاحات یا کلمات کلیدی؛ در معناشناسی، چنین نیست که همه کلمات در یک واژگان^۲ برای به وجود آوردن جهان‌بینی خاص منبعث از آن واژگان، اهمیت برابر داشته باشند. کلماتی همچون الله، اسلام،

۱- عارف، رضا، سمانتیک و فهم دین، ویژه‌نامه روزنامه جوان، ۲۶ فروردین ۱۳۸۳، ص ۲-۳.

۲- منظور از «واژگان» به زودی توضیح داده خواهد شد.

ایمان، کفر، نبی، رسول و امثال این مفاهیم که نقش واقعاً قطعی در ساخت جهان بینی تصویری قرآن دارند به نام کلمات یا اصطلاحات کلیدی در جهان بینی قرآنی خوانده می‌شوند. در بحث مبارزه با فساد اداری نیز، مفاهیمی چون، نظارت، بازرسی، حسن جریان امور، اجرای صحیح قوانین و امثال این مفاهیم، اصطلاحات یا کلمات کلیدی به شمار می‌آیند. برخی از صاحب نظران بر این باورند که مهم ترین و نیز دشوارترین کار معناشناس در مطالعه یک موضوع، استخراج اصطلاحات کلیدی است. باید اعتراف کرد که در انتخاب کلمات و اصطلاحات کلیدی، پیشگیری از تأثیر تفاوت برداشت‌ها و اختلاف توانمندی‌های محققان در شناسایی، ممکن نیست. به تعبیر دیگر هر محققى به تناسب توانمندی‌های ذهنی و هوشی، در انتخاب اصطلاحات و کلمات کلیدی به موفقیت بیشتری کمتر دست می‌یابد.^۱ در واقع شناسایی و گزینش کلمات و اصطلاحات کلیدی تا حدی به شَم علمی محقق بستگی دارد.

۳) کلمه کانونی یا قطب؛ یک کلمه کلیدی خاص است که نماینده و محدودکننده یک حوزه و حیطه تصویری یعنی به اصطلاح ما یک میدان معناشناختی نسبتاً مستقل و متمایز در درون یک کل بزرگتر از واژگان است و چون همه کلمات کلیدی اصطلاحات مهم هستند، برای ما تصمیم گرفتن درباره اینکه کدام یک را کلمه کانونی قراردهیم کار دشواری است. انتخاب کلمه کانونی تا حدی به شَم محقق و قوه تشخیص او بستگی دارد. پس از انتخاب کلمه کانونی گروهی از کلمات کلیدی در اطراف کلمه کانونی فراهم می‌آیند و این کلمه کانونی همه گروه را نمایش داده و متحد می‌کند. و از این راه میدان نسبتاً مستقل از صورها پدید می‌آورد. کلماتی که در پیرامون آن گرد آمده‌اند هر یک به صورت خاص خود نماینده جنبه‌ای از تصور مرکزی خواهند بود البته در این جا کار کمی پیچیده می‌شود چرا که هر یک از کلماتی که در زیر دستگاه ظاهر می‌شود خواه کلمه کانونی باشد یا کلیدی، محدود به حدود یک میدان خاص باقی نمی‌ماند بلکه معمولاً دارای ارتباط چند جانبه‌ای با کلمات دیگر است که به میدان‌های دیگر تعلق دارند. کلمه کانونی یک میدان ممکن است همچون یک اصطلاح کلیدی متعارفی در میدان دیگر ظاهر شود و برعکس.^۲

۴) دستگاه تصویری؛ «دستگاه تصویری» و «واژگان» چیزی جز دوروی امر واحد نیستند. یعنی یک شبکه واحد پیچیده از پیوستگی‌ها و ارتباط‌ها، به اعتبار سیمای زبان شناختی آن یک «واژگان» است و به اعتبار

۱- همان.

۲- همان.

سیمای تصویری اش یک «جهان بینی» است.^۱

۵) زمان‌گذر و هم‌زمان؛ واژگان از دو دیدگاه روان‌شناختی متفاوت می‌توانند مورد نظر قرار گیرند که در زبان‌شناسی نوین این دو دیدگاه به نام «زمان‌گذر یا درزمان» و «هم‌زمان» خوانده می‌شوند. «زمان‌گذر» یا «درزمان» عبارت از دیدگاهی است که در آن عنصر زمان در هر چه مربوط به زبان‌شناسی است علی‌الاصول مورد تأکید واقع می‌شود. به دیگر سخن مطالعه زمان‌گذر یا در زمان یعنی مطالعه تحول زبان در طول زمان. واژگان از لحاظ زمان‌گذر، بسته‌ای از کلمات است که هر یک از آن‌ها مستقل از دیگران به روش خاص خود رشد می‌کند و تغییر می‌کند. بعضی از کلمات موجود در گروه و دسته ممکن است حالت توقف پیدا کنند یعنی در دوره‌ای از زمان استعمال آن‌ها متوقف شده و کلمات دیگر مدت بیشتری رایج بمانند. و نیز ممکن است در نقطه معینی از زمان کلماتی تازه در صحنه زبان پیدا شوند و از آن زمان تاریخ خود را آغاز کنند که محقق برای شناخت کلمه و معنای آن باید تمام این عوامل را در نظر بگیرد. اما مطالعه «هم‌زمان» یعنی مطالعه نظام زبانی در وضعی خاص و بدون در نظر گرفتن زمان. با این توضیح می‌توان این مثال را زد که اگر در بررسی واژگان مربوط به «حسن جریان امور» مفهوم زمان لحاظ شود یعنی محقق به بررسی مراد از آن قبل از تدوین قانون اساسی، حین تدوین آن و در نهایت بعد از تدوین و تصویب آن بپردازد در واقع واژگان مربوط به «حسن جریان امور» را بررسی زمان‌گذر یا در زمان کرده است. اما اگر همین واژگان را بدون لحاظ عنصر زمان مورد بررسی قرار دهد، تحقیقش، «هم‌زمان» به شمار می‌آید.^۲

۶) رابطه همنشینی^۳ و رابطه جانشینی^۴؛ در هر زبانی گروهی از واژه‌های مترادف، متضاد و متشابه موجود است که گوینده برای سخن گفتن و نویسنده برای نوشتن ناگزیر باید بعضی از آن‌ها را برگزینند. اما این بدین معنا نیست که واژه‌های ظاهراً غایب یا به تعبیر بهتر واژه‌هایی که انتخاب نمی‌شوند در آن سخن یا متن مؤثر نباشند. زبان، نظامی خودکفا است که درست غیبت پاره‌ای از واژه‌ها، معنای عناصری را که در جمله حاضرند شکل می‌دهد. هر جمله مرکب است از تعدادی واحد زبانی که زنجیره‌ای خطی را تشکیل می‌دهند یعنی در کنار هم قرار گرفته‌اند و با هم معنایی را می‌رسانند چنین رابطه‌ای، رابطه همنشینی خوانده می‌شود. برای مثال در جمله «علی آمد»

۱ - همان.

۲ - همان.

3 - Syntagmatic Relation

4 - Paradigmatic Relation

رابطه بین «علی» و «آمد»، رابطه همنشینی است. گاهی نیز ساختار جمله این امکان را می‌دهد که بتوان واحدهای زبانی دیگری را جایگزین واحدهای انتخاب شده کرد. در این صورت، اجزای جمله با آن واحدهای غایب نیز، مناسبت و رابطه‌ای دارند که رابطه جانشینی خوانده می‌شود. برای مثال در جمله «داوود رسید»، می‌توان به جای «داوود» کلمات «او»، «هواپیما» و «معلم» را که جمعاً یک طبقه را تشکیل می‌دهند قرار داد و به جای «رسید» کلماتی مانند «ایستاد»، «نشست» و «دیده شد» را جای داد. معمولاً این دو نوع رابطه به دو محور در زبان شهرت یافته که یکی را محور افقی و دیگری را محور عمودی می‌خوانند. محور افقی رابطه همنشینی را نشان می‌دهد، اما محور عمودی رابطه جانشینی را.^۱

الگوی معناشناسی

نخستین بار ایزوتسو الگویی از معناشناسی ساختگرای واژگانی را در قلمرو مطالعات قرآنی به کارگرفت که می‌تواند برای تحقیق در سایر حوزه‌ها و متون نیز نمونه و سرمشق خوبی به شمار آید. وی در دو کتاب «خدا و انسان در قرآن» و «ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» که به زبان فارسی نیز ترجمه شده، روش معناشناسی مد نظر خود را ارائه کرده است. او تأکید می‌کند که این روش معناشناسی که در آثارش از آن بهره برده، ابتکار خودش نیست و تلفیقی از زبان‌شناسی قومی^۲ و دیدگاه‌های ویسگربر^۳ است.^۴ ادوارد ساپیر^۵ زبان‌شناس و مردم‌شناس آمریکایی زبان‌شناسی قومی را مطرح کرد و شاگردش بنیامین ورف آن را گسترش و بسط داد که با عنوان فرضیه ساپیر- ورف یا فرضیه نسبت زبانی شهرت یافت.^۶ ایزوتسو روش معناشناسی خود را در بسیاری از موارد با فلسفه زبان هومبولت^۷ و فرضیه ساپیر- ورف مطابق می‌داند.^۸

معناشناسی از منظر ایزوتسو مطالعه تحقیقی درباره واژگان کلیدی زبان است. که به شناخت جهان بینی یک قوم منجر می‌شود. در این نگاه، زبان صرفاً ابزاری برای اظهار سخن نیست، بلکه وسیله‌ای است برای

۱- رک: پورافخم، مریم، عباسی، مهرداد، بررسی کاربرد معناشناسی هم‌زمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۱، ص ۶۵.

2 - Ethno Linguistics

3 - Leo Weisgerber

۴- رک: ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۱، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار، ص ۵.

5 - Edward Sapir

۶- رک: لطفی، سید مهدی، بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، دوفصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۶، ص ۴۰.

7 - Wilhelm von Humboldt

۸- رک: همان، ص ۴۱.

تفسیر و تصویر جهانی که یک قوم را احاطه کرده است. ایزوتسو بر همین مبنا معناشناسی را به شرح ذیل تعریف می‌کند:

«علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت ... به وسیله تحلیل روشمند مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده و در کلمات کلیدی زبان آن ملت تبلور پیدا کرده است.»^۱ بر پایه نظر ایزوتسو، عبارت «معناشناسی قرآنی» به معنی «جهان‌بینی یا دستگاه تصویری قرآن» است؛ یعنی روش شناخت نگرش و تصور قرآن نسبت به جهان از خلال معانی الفاظ.

بنابر سخن فوق «معناشناسی قانون اساسی» و «معناشناسی قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور» در واقع دانشی است که می‌کوشد تا به گونه‌ای، نگرش و دستگاه تصویری قانون اساسی و قانون تشکیل سازمان بازرسی یا به تعبیر بهتر دستگاه تصویری قانون‌گذارانی که این قوانین را وضع و تصویب کرده‌اند بشناسد.

معناشناسی ساختگرا، که روش منتخب ایزوتسو است، متأثر و مُلهم از آثار «فردینان دوسوسور» است و آغاز آن به سال‌های پس از ۱۹۳۰ میلادی باز می‌گردد.^۲ ایزوتسو نقش زبان را چنان تعیین‌کننده به‌شمار می‌آورد که تحلیل معناشناسی را نه تحلیل ساخت صوری یک واژه و نه تحلیل معنای اشتقاقی آن، بلکه تحلیل معناشناختی را دانشی فرهنگی می‌داند.^۳ هدف او دستیابی به جهان‌بینی معناشناختی است.^۴ از این منظر کلمات نموده‌های اجتماعی و فرهنگی پیچیده‌ای هستند و در جهان واقع حتی یک کلمه هم یافت نمی‌شود که معنی مجسم و ملموس آن کاملاً به‌وسیله آنچه معنی اساسی نامیده شد پوشش یابد. همه کلمات کم یا بیش به صورتی برجسته یا رنگی برخاسته از ساخت فرهنگی محیطی که فعلاً در آن وجود دارند رنگین شده‌اند.^۵ بر این اساس واژگان یک ساختمان تک سطحی نیستند بلکه در بردارنده‌ی تعدادی واژه‌های فرعی، در عرض هم و رمزهای متداخل هستند. از نظر ایزوتسو واژه‌ها، در یک زبان یک دستگاه و شبکه به هم گره خورده را تشکیل می‌دهند.^۶ فهم یک زبان منوط به درک هندسه و نظام معنایی است که این نظام معنایی در قالب

۱- رک: همان، ص ۴۰ و ۴۱.

۲- رک: همان، ص ۴۲.

۳- رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۲۱.

۴- رک: بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، ص ۴۴.

۵- رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۲۰ / همچنین رک: بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، ص ۴۴.

۶- رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۲۱.

میدان‌های معناشناختی حاکم بر آن زبان متبلور می‌شود.^۱

اگر پذیرفته شود که جهان خارج از ذهن انسان، مجموعه‌ای از اشیاء و رویدادهای موجود در این جهان مادی است، زبان در حد فاصل میان این جهان و واقعیت‌ها و مفاهیم ذهنی ما درباره این جهان قرار می‌گیرد. حوزه واژگانی، شامل مجموعه‌ای از اقلام واژگانی است که از نظر معنایی با یکدیگر در ارتباطند و وابسته به هم هستند این معانی در کنار یکدیگر شکل دهنده ساخت مفهومی دامنه مشخصی از واقعیت‌های جهان خارج از ذهن‌اند.^۲

اصول معناشناسی

ایزوتسو در الگوی معناشناسی خود از دیدگاه فردینان دوسوسور الهام گرفت بود. این دیدگاه بر اصولی به شرح ذیل مبتنی است:

(۱) میان مطالعه «در زمانی» یا «زمان‌گذر» یعنی مطالعه تحول زبان در خلال زمان و مطالعه «هم‌زمانی» آن یعنی مطالعه نظام زبانی در وضع خاص و بدون لحاظ عنصر زمان تمایز هست. واژه تابع تاریخ است اما تحلیل واژه باید غیرتاریخی باشد. از این رو، توصیف هم‌زمانی بر تحلیل تاریخی واژه برتری دارد. واژه مثلاً «نظارت» به لحاظ نسبت و ارتباطش با سایر واژه‌ها تعریف می‌شود و آن روابطی معتبر هستند که در مقطع زمانی خاصی برقرارند. از آنجاکه زبان تماماً وجودی تاریخی و سیار دارد، برای تعریف عناصر زبان باید به روابطی توجه داشت که در وضع ویژه و هم‌زمانی پدید می‌آیند.^۳ فرایند زبانی قابل تجزیه به عناصر در زمان نیست، مثلاً تاریخ و سرگذشت یک واژه به هیچ وجه گویای مفهوم کنونی آن واژه نیست؛ زیرا علاوه بر تاریخ، نظام زبانی‌ای هم وجود دارد. این نظام زبانی اساساً دارای قوانین تعادل است قوانینی که در هر لحظه از تاریخ، به پدیده «هم‌زمانی» بستگی دارد: رابطه میان لفظ و معنا، در زبان، رابطه بنیادین است. طبعاً مجموعه مفاهیم، نظامی مبتنی بر تمایزها و تقابل‌ها را می‌سازند. این مفاهیم در قبال یکدیگر حالت نسبی دارند و از سوی دیگر، همین مفاهیم، نظامی هم‌زمانی، به وجود می‌آورند.^۴

(۲) معنا، فرزند تقابل است؛ واژه‌ها، دارای معانی ذاتی نیستند و همگی مبتنی بر نوعی اختیار و قرارداد

۱- رک: بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، ص ۴۶.

۲- رک: همان، ص ۴۶ و ۴۷.

۳- رک: بررسی کاربرد معناشناسی هم‌زمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۶۲.

۴- رک: همان، ص ۶۲.

هستند. معنا حاصل رابطه قراردادی میان دال و مدلول است.^۱ هیچ واژه‌ای منفک از غیر خود، واجد معنا نمی‌گردد بلکه در ارتباط با سایر واژه‌ها معنا می‌یابد. در نظام زبان، الفاظ از آن رو معنا دارند که در تقابل با الفاظ دیگری واقع می‌شوند. زبان نظامی از گوناگونی‌ها و رویارویی‌های معنایی است که در آن هر مفهومی با مفهوم مقابل خود روشن می‌شود.^۲ تقابل معنایی از جمله روابط معنایی نظام‌مند زبانی است که در تجزیه و تحلیل معنا در کنار روابطی چون؛ چند معنایی، شمول معنایی، ترادف و سایر روابط معنایی از این دست، به‌کارگرفته می‌شود. دو واژه هنگامی متقابل هستند که؛

اولاً با یکدیگر نقطه اشتراکی داشته باشند، به عنوان مثال «کوتاه» و «بلند» در مقیاس «قد» مشترکند.

ثانیاً این که اگر قلمرو معنایی این دو واژه به شکل یک محور افقی ترسیم شود و قسمت میانی که به نحو تقریبی حدوسط بین این دو واژه است مشخص گردد، می‌توان تعیین کرد که هر کدام از این دو واژه در یک سمت از این قسمت میانی قرار می‌گیرند.^۳

بر اساس این اصل می‌توان گفت که در بحث مبارزه با فساد اداری، معنای «حُسن جریان امور» را باید در تقابل با «سوء جریان امور» سنجید و معنا کرد و «سلامت اداری» را در تقابل با «فساد اداری».

۳) روابط همنشینی و جانشینی میان مفاهیم؛ سومین اصل، مربوط به روابط میان مفاهیم است. زبان مجموعه‌ای از عناصر منفک و مستقل از یکدیگر نیست، بلکه نظامی است متشکل از عناصر و مؤلفه‌های مرتبط با یکدیگر. رابطه میان واژه‌ها نیز رابطه‌ای دوگانه است و شامل روابط همنشینی^۴ و روابط جانشینی^۵ می‌شود. بنابراین، عناصر زبانی دو نوع ارتباط دارند: گزینش و ترکیب. گزینش بر اساس ترادف، تشابه، تفاوت و تضاد صورت می‌گیرد. در حالی که ترکیب ساختار جمله، بر اساس همنشینی است، گوینده یا نویسنده اجزای گفتار را از میان موارد مشابه برمی‌گزیند و آن‌ها را با ترتیب خاصی کنار هم می‌چیند. گزینش اجزای گفتار از میان موارد مشابه و متعدد و چیدمان آن‌ها در کنار هم معنا را پدید می‌آورد.^۶

این که در قانون اساسی گفته شده «نظارت بر حُسن جریان امور» وظیفه سازمان بازرسی است و به‌جای

۱- رک: همان، ص ۶۳.

۲- رک: همان، ص ۶۳.

۳- رک: همان، ص ۶۴.

4 - Syntagmatic Relation

5 - Paradigmatic Relation

۶- رک: همان، ص ۶۵.

«نظارت بر» واژه دیگر به کار نبرده یا به جای «حُسن جریان امور»، عبارت دیگر استفاده نکرده تماماً در معنایی که باید از این عبارت به دست دهد تأثیرگذار است. مثلاً اگر قانونگذار به جای «نظارت بر» واژه «مراقبت از» یا «پاس داشت از» را به کار می برد یا مثلاً اگر به جای «حُسن جریان امور»، «سلامت جریان امور»، «به صرفه بودن جریان امور» یا «شفافیت جریان امور» را به کار می برد چه تفاوت های معنایی با عبارت کنونی مذکور در قانون می داشت. توجه به این جانشینی ها و همنشینی ها در استخراج معنای عبارت قانونی «وظیفه سازمان بازرسی کل کشور، نظارت بر حسن جریان امور... است» بسیار مؤثر است.

روش ایزوتسو

ایزوتسو به پیروی از کتاب مشهور «درس های عمومی زبان شناسی» سوسور، بر این باور است که به هیچ وجه میان شیء و نام آن، مطابقت عینی و تناظر یک به یک وجود ندارد و مصداق خارجی یک واژه نمی تواند معنای آن واژه باشد. او برای نشان دادن دوگانگی و نیز روشن کردن معنای مفاهیم، با به کارگیری معناشناسی هم زمانی به بررسی روابط همنشینی و جانشینی و نیز نسبت تقابل یک واژه با واژه های دیگر می پردازد تا معنای واژه را کشف کند.^۱ در کتاب «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید»، در بخش معناشناسی هم زمانی معنای واژه را با توجه به شاخص های زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد:^۲

(۱) ارتباط واژه با سایر واژه ها؛

(۲) ارتباط آن واژه با بافت کلام؛

(۳) مشتقات آن واژه در متن؛

(۴) وجوه معانی هر مشتق در کاربرد قرآنی؛

(۵) مترادف های هر وجه؛

(۶) مفاهیمی که در قرآن به واژه مورد نظر اسناد داده شده.

مطلب بالا به این معناست که برای بررسی «حسن جریان امور» باید نخست ارتباط این مفهوم را با سایر مفاهیم سنجد و سپس ارتباط آن با بافت حقوقی را بررسی کرد، آنگاه باید مشتقات «حسن جریان امور» در

۱- رک: همان، ص ۶۱ و ۶۶.

۲- رک: همان، ص ۶۰-۶۱.

متن قانون اساسی یا متن قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مشخص شود، پس از آن وجوه معانی هر مشتق در کاربرد قانونی، مترادف‌های هر وجه و در نهایت مفاهیمی که در قانون اساسی یا قانون تشکیل سازمان به «حسن جریان امور» نسبت داده شده، معلوم شود.

ایزوتسو در ضمن مباحث خود، هفت روش را مطرح می‌کند که براساس آن لفظ دارای ارزش تجزیه و تحلیل معنایی، شناسایی می‌شود. این روش‌های هفت‌گانه را که از نسبت‌ها و روابط میان مفاهیم حکایت‌گری دارد، می‌توان الگوی پیشنهادی ایزوتسو برای معناشناسی هم‌زمانی به‌شمار آورد. او خود در تجزیه و تحلیل الفاظ از این موارد هفت‌گانه به اندازه یکسان استفاده نکرده است. از این رو چه بسا بتوان استنباط کرد که در نزد وی این موارد هم‌وزن و هم‌ارزش نیستند بلکه برخی از موارد از اهمیت بیشتری برخوردارند. با ذکر این مقدمه به بیان روش‌های هفت‌گانه براساس میزان اهمیت و کاربرد آن می‌پردازیم.^۱

۱) ارزیابی لفظ براساس بافت؛ بافت عبارت است از مجموع عواملی که در تفسیر معنا مؤثرند.... بافت زبانی محیط زبانی یک واحد زبان یعنی، روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن را نیز شامل می‌شود. ایزوتسو در تعریف این قاعده می‌گوید: «گاه معنای دقیق یک واژه از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن می‌گردد که به آن تعریف بافتی (متنی) می‌گویند» ایزوتسو آن را ساده‌ترین موردی می‌داند که به واسطه آن یک عبارت از لحاظ معنایی اعتبار پیدا می‌کند. او [با ارائه مثال‌هایی از قرآن] دو واژه «بَرّ» و «عمل صالح» را از هم‌نشینی واژه‌های دیگر با این دو واژه و نیز روابط معنایی آن‌ها به دست می‌آورد.^۲ براساس این قاعده بررسی مفاهیم مربوط به نظارت و بازرسی، باید از بافت زبانی یا به تعبیر بهتر از محیط زبانی این واحد زبانی یعنی، روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن قانون استفاده کرد. مثلاً معنای «حُسن جریان امور» را روابط دستوری و معنایی آن با دیگر واحدهای زنجیره متن قانون روشن می‌کند.

۲) براساس جانشین‌های لفظ در عبارات دیگر؛ هنگامی که واژه «الف» در بافتی یکسان و یا در بافتی که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است، جانشین واژه «ب» می‌شود، این جانشینی به بررسی معنای هر دو واژه به عنوان واژه‌های مترادف کمک می‌کند. بنابراین به جای واژه‌ای که در یک جمله به کار رفته است، می‌توان آن واژه دیگری (مترادف) را به کاربرد و جانشین آن کرد (رابطه جانشینی). در این نوع رابطه، برخلاف مورد

۱- رک: همان، ص ۶۹-۷۰.

۲- رک: همان، ص ۷۱-۷۲.

قبل، واژه‌ها در یک محور عمودی قرار می‌گیرند.^۱

حال باید دید که آیا مفهوم یا مفاهیم دیگری در متون قانونی و مرتبط با نظارت و بازرسی، در بافتی یکسان یا در بافتی که از لحاظ صوری مشابه بافتی باشد که مفهوم «حسن جریان امور» در آن به کار رفته، استعمال شده است یا نه؟ اگر به کار رفته باشد معنایش آن است که آن واژه یا مفهوم مترادف و هم معنای با «حُسن جریان امور» است.

۳) با توجه به واژه‌های متضاد؛ ساخت معنایی یک واژه از روی متضاد آن معلوم می‌شود. «تُعَرَّفُ الْأَشْيَاءُ بِأَصْدَادِهَا» به عنوان مثال واژه «خیر» شاید نزدیک‌ترین معادل واژه «نیک» و واژه انگلیسی «Good» به مفهوم اخلاقی آن باشد. اما در زبان عربی واژه‌های متعدد دیگری هم هستند که در مفهوم کلی «نیکی» با واژه «خیر» شریک‌اند. از آن جمله واژه «حسنه» است که می‌توان تفاوت میان «خیر» و «حسنه» را که در تقابل با «سیئه» به کار می‌رود، معلوم ساخت. اگر بتوان به معنای دقیق یکی از این چهار لفظ یعنی؛ «خیر»، «نیک»، «حسنه»، «Good» دست یافت، درباره معنای سه اصطلاح دیگر مطمئن‌تر می‌توان سخن گفت. گاهی دیده شده که در متنی مثل قرآن دو واژه مختلف در تقابل با واژه سومی به کار می‌روند مثل واژه «کافر» که معمولاً در تضاد با «مؤمن» به کار می‌رود، اما واژه دیگری نیز هست که در بسیاری از جاهای قرآن در تضاد با «مؤمن» به کار رفته است و آن واژه «فاسق» است. چون این واژه متضاد «مؤمن» است و نیز در همان موضعی قرار گرفته است که «کافر» قرار دارد پس ناچار باید به صفت نکوهیده شخص در ارتباط با مسائل دینی اشاره داشته باشد و با توجه به قرائن، کسی را توصیف کند که همچون کفار، دید و نظر دشمنانه‌ای نسبت به خداوند دارد.^۲ در بحث نظارت و بازرسی، باید روشن شود که آیا در عبارت «حسن جریان امور»، واژه «حُسن»، در مقابل «قُبْح» قرار دارد یا در مقابل «سوء»، یا... .

۴) با توجه به کاربرد واژه در بافت متفاوت؛ مثلاً واژه‌ها و اصطلاحات اخلاقی در قرآن مجید غالباً در بافت‌هایی که اهمیت ژرف مذهبی دارند به کار می‌روند. با این همه گاهی همین واژه‌ها حتی در بافت قرآنی و دینی نیز به معنای به کار می‌روند که در بافت‌های غیر دینی به آن معانی استعمال می‌شوند. از این نحوه به کارگیری واژه می‌توان به جنبه‌های کاملاً مادی و ناسوتی معنای آن‌ها پی برد.^۳ مشابه همین سخن درباره

۱- رک: همان، ص ۷۳.

۲- رک: همان، ص ۷۳-۷۴.

۳- رک: همان، ص ۷۴.

مفاهیم نظارت و بازرسی صادق است. گاه یک واژه در بافت حقوقی و قانونی به‌کار می‌رود و معنای خاص حقوقی و قانونی را افاده می‌کند. اما گاهی هم این مفاهیم در بافت حقوقی، به همان معانی به‌کار می‌روند که در بافت غیرحقوقی به‌کار می‌رفتند در واقع واژه در بافت حقوقی به معنایی به‌کار می‌رود که معنای غیرحقوقی آن مد نظر است. شاید بتوان یکی از اختلافات میان صاحب نظران درباره تفسیر اصل ۱۷۴ قانون اساسی و مراد از «حسن جریان امور» را ناشی از همین مسأله دانست در واقع اختلاف در این است که آیا باید این عبارت را یک مفهوم حقوقی دانست که مرجع تفسیر آن حقوقدانان هستند یا این که باید آن را به رغم این که در یک بافت حقوقی آمده، یک مفهوم مدیریتی به‌شمار آورد که کار تفسیر و توضیح ماهیت آن به عهده صاحب‌نظران مدیریت است. به دیگر سخن آیا «حسن جریان امور» یک مفهوم مدیریتی در بافت حقوقی است که در معنای غیرحقوقی به‌کار رفته است؟

۵) با توجه به حوزه‌های معنایی؛ حوزه‌های معنایی مجموعه‌ای از واحدهای معنایی هستند که در یک وجه مشترک گرد آمده‌اند. به بیان دیگر در یک شرط لازم اشتراک دارند و همین امر سبب طبقه‌بندی آن‌ها در یک حوزه معنایی می‌شود. ایزوتسو در مقام تعریف، هر مجموعه‌ای از روابط معنایی دارای طرح در میان دسته‌های مختلف واژه‌های یک زبان را یک «حوزه» یا یک «میدان معنایی» می‌داند. نمونه ساده این نوع روابط را می‌توان در زبان انگلیسی میان واژه‌های wind و to blow و در فارسی میان واژه‌های باد و دمیدن و وزیدن مشاهده کرد. یک واژه به ندرت می‌تواند از واژه‌های دیگر جدا بماند و در تنهایی به هستی خود ادامه دهد. برعکس، واژه‌ها در همه جا گرایش شدیدی به ترکیب با برخی از واژه‌های دیگر در بافت‌های کاربردی خود نشان می‌دهند. هر واژه برای خود یارانی دارد، تا آن جا که سراسر واژگان یک زبان به صورت شبکه پیچیده‌ای از گروه‌بندی‌های معنایی بیرون می‌آید. یکی از وظایف مهم معناشناس، بازکردن این شبکه تودرتو و پیچ در پیچ است. آن لفظ و عبارتی از لحاظ معنایی مهم است که به نحوی به شناخت یک حوزه معنایی کمک کند. مثلاً در قرآن مفعول دستوری واژه «افتراء» اغلب اوقات واژه «کذب» است و این دو، گروهی جداناپذیر را تشکیل می‌دهند. به این دو واژه، «ظالم» نیز ملحق می‌شود. در حقیقت، عبارت «و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بزند، یا آیات الهی را تکذیب کند؟»^۱ در قرآن مجید یک مجموعه عبارتی را تشکیل می‌دهد و همین روشن می‌سازد که سه واژه «افتراء»، «کذب» و «ظلم» یک گروه یا ترکیب یا حوزه معنایی را

به وجود می‌آورد.^۱ برای تقریب به ذهن می‌توان از میان مفاهیم نظارت و بازرسی، حوزه‌های معنایی مفهوم «حسن جریان امور» را چنین برشمرد؛ صرفه، سلامت، فساد، شفافیت، ابهام، سوء جریان امور و مفاهیمی از این دست.

۶) بر اساس تضاد صوری؛ نوعی تضاد صوری میان جملات متضاد وجود دارد که از طریق وقوع تک واژه‌های منفی ساز تحقق می‌یابد. ایزوتسو در مقام تعریف موردی را که در آن ساخت معنایی یک واژه مبهم مانند X از روی صورت منفی آن -X روشن می‌شود اغلب محکوم به شکست می‌داند، زیرا -X از نظری منطقیاً ممکن است چیزی به کلی غیر از X باشد. اما خوشبختانه در مواردی که حوزه دلالت منحصر میان دو چیز باشد چنین نیست، مثلاً هنگامی که موضوع بحث نوعی از گل باشد که فقط دوگونه قرمز یا آبی داشته باشد، گفتن این که فلان گونه «قرمز نیست» خود کافی است که اطلاعات مثبت بسیاری درباره آن «گونه» به شنونده بدهد. دانستن این که بر چه نوع «جریان امور»ی معمولاً عبارت «سوء جریان امور» اطلاق می‌شود، همان اندازه برای معناشناس مهم است که دانستن اینکه چه نوع «جریان امور»ی معمولاً «حُسن» تلقی می‌شود.^۲ به عبارت دیگر این که معلوم شود «سوء جریان امور چیست» در فهم معنای «حسن جریان امور» و ماهیت آن بسیار سودمند است.

۷) بر اساس ترادف ساختمان دستوری یا موازنه ساختمان دستوری؛ این یکی از صنایع بلاغی است که گاه وجود یک رابطه معنایی را در میان دو واژه بر ما معلوم می‌سازد. مانند آنجا که دو جمله از جهت ساختمان دستوری یکی هستند اما واژه‌ها متفاوت می‌شود. مثلاً این که قرآن در یک جا می‌فرماید: «و ما یجحد بآیاتنا الا الکافرون»^۳ و در جای دیگری می‌فرماید: «و ما یجحد بآیاتنا الا الظالمون»^۴ نشان می‌دهد که «کافرون» و «ظالمون» لاقلاً از جهتی مثلاً از جهت انکار آیات خدا با هم معادل معنایی هستند.^۵ حال مشابه این مسأله را در بحث «نظارت و بازرسی» درباره «حسن جریان امور» تصور کنید. اگر «حسن جریان امور» در جایی از متن قانون با ساختمان دستوری خاصی به کار رود و در جای دیگر متن قانون همین ساختار دستوری مشاهده شود که در آن به جای عبارت «حسن جریان امور»، عبارت دیگر به کار رفته باشد بر اساس قاعده ترادف یا موازنه ساختمان

۱- رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۷۵.

۲- رک: همان، ص ۷۵-۷۶.

۳- عنکبوت، ۴۷.

۴- عنکبوت، ۴۹.

۵- رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۷۶-۷۷.

دستوری می‌توان گفت میان این دو رابطه معنایی وجود دارد مثلاً در اصل ۱۷۴ قانون اساسی آمده:

«بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»^۱

حال اگر در جای دیگر چنین گفته شود که «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به جریان رضایت بخش امور و اجرای درست قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور تشکیل می‌گردد.» در این صورت از موازنه ساختمان دستوری این دو عبارت می‌توان چنین برداشت کرد که واژه «حُسن» با «رضایت بخش بودن» دست کم در بخشی از معنا ترادف (ترادف غیرتام) دارند و واژه «صحیح» با واژه «درست».

ساخت میدان معناشناختی

درک معنای واژه‌ها و عبارات مبهم مستلزم ساخت میدان معناشناختی است. ایزوتسو برای تشکیل میدان معناشناختی به تقسیم‌بندی دو گونه معنای نسبی و معنای اساسی اشاره دارد و محوریت در میدان معناشناختی را با معنای اساسی می‌داند. وی برای یافتن میدان معناشناختی، اصول و مفروضاتی را بیان داشته است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. واژه‌ها در یک زبان، یک دستگاه و شبکه به هم گره خورده را تشکیل می‌دهند.
۲. الگوی عمده و اصلی این دستگاه با بخشی از واژه‌ها با اهمیت‌های خاص ساخته می‌شود.
۳. واژگان دخیل در ساخت یک میدان معناشناختی، ارزش برابر ندارند.
۴. واژه‌هایی که نقش قطعی در ساختن جهان بینی تصویری یک متن دارند، «واژه‌ها یا اصطلاحات کلیدی آن متن نامیده می‌شوند مثلاً در قرآن می‌توان به واژه‌های «الله»، «اسلام»، «ایمان»، «کافر»، «نبی» و «رسول» به عنوان واژه‌ها و اصطلاحات کلیدی اشاره کرد و در متن قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور می‌توان واژه‌های «حسن جریان»، «نظارت»، «بازرسی»، «اجرای صحیح» و امثال این واژه‌ها و اصطلاحات را واژه‌ها یا اصطلاحات کلیدی خواند.

۱- رک: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۴.

۵. مهم‌ترین و دشوارترین کار معناشناس در یک متن استخراج اصطلاحات کلیدی از میان واژگان آن متن است. ایزوتسو برای این استخراج و انتخاب ملاک‌هایی دارد که در ساخت میدان معناشناختی واژه‌ای همچون «ایمان» به آن متوسل می‌شود. او مفاهیمی را به عنوان اصطلاحات کلیدی برمی‌گزیند که برخی از آن‌ها ارتباط تقابلی با مفهوم «ایمان» دارند و با ویژگی‌های منفی خود، مفهوم ایمان را احاطه می‌کنند و برخی دیگر مفاهیم هستند که به واسطه ارتباط همنشینی و گاه رابطه جاننشینی که با مفهوم «ایمان» دارند با ویژگی‌های مثبت خود گرد مفهوم «ایمان» جمع می‌شوند.^۱

۶. براساس واژگان کلیدی می‌توان میدان معناشناختی ترسیم کرد که هر میدان معناشناختی نیز نماینده یک حوزه تصویری مستقلی است که از نظر طبیعت و ماهیت کاملاً به «واژگان» شباهت دارد.

۷. هر واژه می‌تواند در چندین میدان معناشناختی حضور داشته باشد.

۸. واژه واحد، بسته به تعلق آن به یکی از دستگاه‌ها و نظام‌های تصویری، مثلاً نظام تصویری قبل از اسلام یا بعد از اسلام، قبل از انقلاب یا بعد از انقلاب و امثال این نظام‌های تصویری... ارزش معناشناختی متفاوتی پیدا می‌کند.

۹. به دلیل تقدم برخی معانی یک واژگان در یک نظام تصویری و دستگاه، بر معانی دیگر در نظام و دستگاه تصویری متأخر که روشن‌کننده معنای اساسی برخی از واژگان یک متن است، مراجعه به آن نظام و دستگاه تصویری متقدم به طور پیوسته صورت می‌گیرد. مقایسه بین دو دستگاه تصویری متقدم و متأخر نحوه تأثیر تاریخ در اندیشه و زندگی قومی و دگرگونی آن را روشن می‌سازد.^۲

بررسی موردی؛ مفهوم «ایمان در قرآن»

به منظور روشن شدن ماهیت روش معناشناسی و نشان دادن الگوی عملی، معناشناسی مفهوم «ایمان» در قرآن که توسط خود ایزوتسو انجام شده است ذکر می‌گردد.^۳

ایزوتسو در تحلیل معناشناختی مفهوم «ایمان»، بافت را اساس کار قرار داده و ایمان را از جهت «متعلق»، «فاعل»، «ماهیت»، «نشانه‌ها و آثار» مورد بررسی قرار می‌دهد. مثلاً با تکیه بر آیات قرآنی، «الله» را متعلق ایمان

۱ - رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۸۰-۹۰ / همچنین رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۳۰.

۲ - رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۲۲-۲۶ / همچنین رک: بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، ص ۴۷.

۳ - رک: همان، ص ۸۰-۹۰.

می‌یابد.^۱ او به استناد آیات قرآن، مؤمن حقیقی را کسی می‌یابد که با شنیدن نام خدا ترس و احترام شدیدی در دلش ایجاد می‌شود و جدیت و وقار دارد^۲ و ...^۳ از منظر «نشانه‌ها و آثار» نیز مؤمن دارای این ویژگی‌ها است^۴: اعتقاد عمیق به بردباری، عبادت دائمی، ترس از آخرت، صدقه دادن، پرهیز از اعمال جاهلی (شرک، بت پرستی، کشتن جانداران به غیر حق، دوری از زنا، اجتناب از گواهی دادن و سخن گفتن به باطل و لغو، احساس خوشایند نسبت به کلمات وحی و ...^۵.

ایزوتسو، پس از بررسی مفهوم ایمان، در مرحله بعد، با هدف تحلیل ویژگی‌های «مؤمن» در میدان معناشناختی «ایمان»، به استخراج کلمات کلیدی مرتبط با مفهوم کانونی «ایمان» می‌پردازد. او «ایمان» را کلمه‌ای کانونی می‌داند که کلمات کلیدی متعددی آن را احاطه کرده است. این کلمه کانونی و آن کلمات کلیدی با هم یک شبکه تصویری را شکل می‌دهند. روش گردآوری کلمات کلیدی این میدان معناشناختی به این صورت است که برخی از آن‌ها ارتباط تقابلی با مفهوم ایمان دارند و با ویژگی‌های منفی خود، مفهوم ایمان را احاطه می‌کنند و برخی به واسطه ارتباط همنشینی و گاه رابطه جانشینی که با مفهوم «ایمان» دارند با ویژگی‌های مثبت خود گرد مفهوم «ایمان» جمع می‌شوند. مهم‌ترین کلمات کلیدی متقابل با «ایمان» که ویژگی‌های منفی دارند عبارتند از: کفر، تکذیب، ضلالت و عصیان. و مهم‌ترین کلمات کلیدی که ویژگی‌های مثبت و نسبت همنشینی یا بعضاً جانشینی با مفهوم «ایمان» دارند، عبارتند از: الله که متعلق ایمان است، اسلام، تصدیق، شکر، تقوا، هدایت.^۶ این مجموعه کلمات کلیدی که معانی آن‌ها بر یکدیگر تکیه دارد و ارتباط متداخل و حلقوی میان آن‌ها برقرار است، با هم میدان معناشناختی واژه «ایمان» را به شکل زیر می‌سازند.

۱- رک: همان / همچنین رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۳۰.

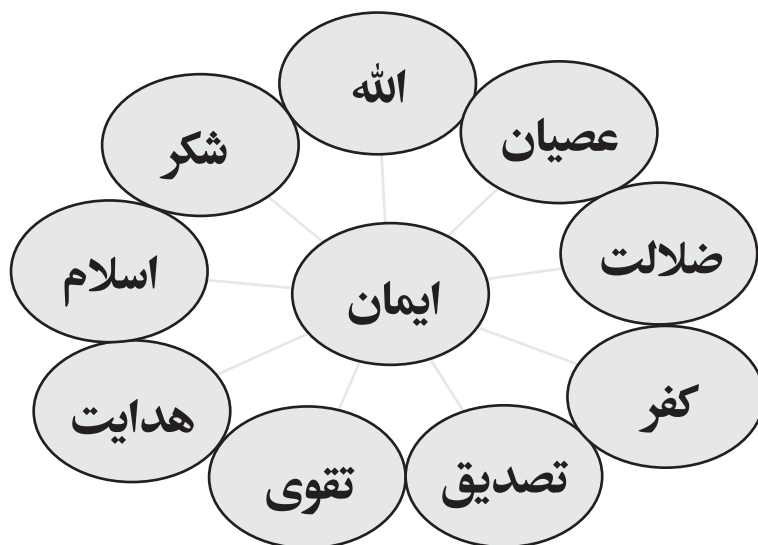
۲- رک: سوره توبه، ۱۱۲.

۳- رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۸۰-۹۰ / همچنین رک: ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ص ۳۷۴.

۴- رک: سوره، فرقان، ۶۳-۶۸ و ۷۲-۷۴ / همچنین رک: احزاب، ۳۶.

۵- رک: ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ص ۳۷۵-۳۷۶.

۶- رک: خدا و انسان در قرآن، ص ۲۹.



سپس با استفاده از آیات قرآنی، ایزوتسو به توضیح هریک از کلمات کلید این شبکه معنایی می‌پردازد و با استخراج ویژگی‌ها و خصایص آن، نحوه ارتباط و نسبت آن را با «ایمان» نشان می‌دهد. مثلاً در توضیح «هدایت» و «ضلالت» می‌گوید یک از مشخصه‌های تفکر قرآنی این است که دین هدایت الهی یا دست کم در راستای هدایت الهی است. بنابراین دین به معنای اسلام و ایمان چیزی جز هدایت‌شدگی نیست. این نتیجه پیش فرضی است که از قرآن اخذ شده است. قرآن مجید وحی را «هدایتی که منشأ رحمت الهی برای ایمان آورندگان است» معرفی می‌کند.^۱ گواه این مطلب آیه ۵۲ سوره اعراف است. در آیه ۱۳ سوره کهف نیز آمده «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى». ایزوتسو بر این باور است که در این آیه براحتمی می‌توان واژه «هدی» را برداشت و واژه «ایمان» را جایگزین کرد بدون این که معنای آیه از اساس دگرگون شود. به همین ترتیب در آیه دیگری «ایمان» از لحاظ معنایی با وضع هدایت‌شدگان برابر و معادل است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَسْ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْلِيَّكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۲ ایزوتسو از این مطلب نتیجه می‌گیرد که اگر ایمان از جهتی به معنای «اهتداء» است، پس ضد مفهوم «ایمان» که «کفر» باشد یعنی «دور افتادن از راه راست». واژه‌ای که قرآن برای بیان «دور افتادن

۱- رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۸۰-۹۰ / همچنین رک: ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن، ص ۳۹۲.

۲- رک: توبه، ۱۷-۱۸.

از راه راست» به کار می‌برد عبارت است از «ضلالت»^۱ تقابل میان «هدایت» و «ضلالت» در همه جای قرآن به چشم می‌خورد چنانچه در سوره بقره آیه ۱۷۵ نیز می‌فرماید: «وَلَيْكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَدَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ».

همان‌طور که می‌توان دید ایزوتسو با بهره‌گیری از آیات به توضیح کلمات کلیدی شبکه معنایی «ایمان» پرداخته، نسبت و نحوه ارتباط میان آن‌ها با مفهوم ایمان را بیان می‌کند تا به این ترتیب ابعاد معناشناختی «ایمان» در بافت قرآنی روشن شود.

نویسنده این مقاله به منظور نشان دادن نحوه به‌کارگیری روش معناشناسی، نمونه‌ای عملی از ایزوتسو را در این جا آورد تا نحوه انتخاب کلمات کلیدی و چگونگی ساخت میدان معناشناختی را نشان داده باشد و مطالعه تفصیلی این مطلب را به خواننده واگذار می‌نماید. آن چه اهمیت دارد این است که در ایضاح مفاهیم مبهم نظارت و بازرسی بتوان کلمات کلیدی مرتبط با یک مفهوم مبهم مثلاً مفهوم «حسن جریان امور» را که نوعی رابطه تقابل، همنشینی یا جانیشینی با آن دارند، شناسایی کرد، «حسن جریان امور» را در کانون قرار داد و مابقی مفاهیم مرتبط را در شبکه معنایی و میدان معناشناختی آن جای داد و بدین ترتیب با تبیین آن مفاهیم کلیدی و نسبت میان آن‌ها با کانون و همچنین نسبت میان آن‌ها با یکدیگر، به ویژگی‌هایی دست یافت که آن ویژگی‌ها در مجموع ابعاد مختلف و مبهم «حسن جریان امور» را نشان دهند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هنگام سخن از ابهام در متون قانونی، پای زبان و متن در میان است و رفع ابهام از زبان و متن دانش‌های زبانی خاص خود را دارد. رفع ابهام مستلزم عبور از ظاهر الفاظ، عبارات و رسیدن به پیام اصلی مندرج در آنها است و این عبور توجه به تفاوت‌های نحوشناختی، واژه‌شناختی و کاربردشناختی مدعای نویسنده یا گوینده را می‌طلبد. این سه حوزه، معناشناسی یا سمانتیک^۲ فهم متن را شکل می‌دهد و سمانتیک همان دانشی است که بنابر نظر نویسنده، در رفع ابهام از متون به‌طور عام و متون حقوقی راه‌گشا است.

سمانتیک یا معناشناسی زبانی، به یک معنا، شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که معتقد است مفاهیم

۱- رک: بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، ص ۸۰-۹۰/ همچنین رک: ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی- دینی در قرآن، ص ۲۶۸-۲۶۹.

و تصورات فرهنگی یک ملت، قوم یا گروه در کلمات کلیدی زبان آن‌ها تبلور پیدا می‌کند. فهم یک زبان منوط به درک هندسه و نظام معنایی است که این نظام معنایی در قالب میدان‌های معناشناختی حاکم بر آن زبان ظاهر می‌شود. و تحلیل روشمند زبان وسیله‌ای است برای تفسیر و تصویر آن‌ها، در به‌کارگیری روش معناشناسی برای ایضاح مفاهیم مندرج در متون حقوقی و قوانین، سعی بر این است که با عطف توجه به خود زبان و معنا، به استخراج واژگان کلیدی و تحلیل روشمند آن‌ها در قالب یک میدان معناشناختی، پرداخته شود، تا چگونگی کارکرد ذهن‌گذار در درک معنا را، بیابد و از این راه به شناخت جهان‌بینی او دست پیدا کند. از این رو هر واژه کلیدی مبهم به‌کاررفته در متون حقوقی و قوانین، در میدان معناشناختی و با تحلیل روشمند، در نسبتش با امور زیر سنجدیده می‌شود:

۱. سایر واژه‌ها

۲. بافت و متن

۳. مشتقات آن واژه در متن

۴. وجوه معانی هر مشتق در کاربرد متنی آن

۵. مترادف‌های هر وجه

۶. مفاهیمی که در متن به واژه مورد نظر اسناد داده شده

در پی هر سنجدشی، ویژگی یا ویژگی‌هایی برای آن مفهوم مبهمی که ایضاح آن مد نظر است به دست می‌آید که از گردآوری مجموع این ویژگی‌ها ابعاد و زوایای مختلف آن مفهوم مبهم شناسایی و روشن می‌شود. مثلاً هنگامی که مفهوم مبهمی همچون مفهوم «حُسن جریان امور» در بافت قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مفهوم کانونی قرار می‌گیرد، برخی از مفاهیم که با آن به نوعی تقابل تام یا غیرتام دارند و کلیدی به شمار می‌آید عبارت خواهد بود از: سوء جریان امور، فساد اداری، علل فساد اداری و... از سوی دیگر مفاهیم مرادفی که رابطه همنشینی تام یا غیرتام و جانشینی تام و غیرتام با آن دارند و به عنوان مفاهیم کلیدی در شبکه معنایی ذکر می‌شوند عبارت خواهد بود از: قوه قضائیه، دستگاه اداری (بازرسی شونده)، شفافیت اداری، سلامت اداری و...

مفهوم «حسن جریان امور» هنگامی که با مفاهیم برگزیده در شبکه معنایی سنجدیده شد، از مقایسه و سنجدش این مفهوم کانونی با هریک از مفاهیم کلیدی منتخب در شبکه معنایی، ویژگی‌هایی به دست خواهد آمد که

مجموع آن ویژگی‌ها، بخش قابل ملاحظه‌ای از ماهیت و مؤلفه‌های «حسن جریان امور» را نشان می‌دهد و این یعنی تأیید «کارایی دانش و روش معناشناسی در ایضاح مفاهیم نظارت و ارزیابی»، که مدعای اصلی مقاله بوده و است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امین ورزلی، نصرالدین، حُسن جریان امور؛ کنکاش نظری و مفهومی و شاخص سازی، گزارش پژوهشی (سازمان بازرسی کل کشور)، سال سوم، شماره ۲۴، ۱ مهرماه.
۳. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۰، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، قم، انتشارات قلم.
۴. ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۶۱، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۶.
۶. پورافخم، مریم، عباسی، ۱۳۹۱، مهرداد، بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی - کلامی، سال دوم، شماره ۵.
۷. عارف، رضا، ۱۳۸۳، سمانتیک و فهم دین، ویژه‌نامه روزنامه جوان، ۲۶ فروردین.
۸. عارف، رضا، ۱۳۹۴، گزارش پژوهشی «تأملی بر پدیده قانون‌گریزی»، سال هشتم، شماره ۷۹.
۹. علوی مقدم، مهیار، ۱۳۸۷، مبانی معناشناسی فهم متن در رویکردهای سنتی و جدید نقد ادبی، پژوهش‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۲۰۶، سال ۵۱.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۴.
۱۱. لطفی، سید مهدی، بررسی و نقد معناشناسی قرآنی ایزوتسو، دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، پیاپی ۶، ص ۴۷.
۱۲. مومنی طباطبائی، منوچهر، ۱۳۸۱، حقوق اداری، تهران، دانشگاه تهران، ج ۷.
۱۳. ورعی، سید جواد، ۱۳۸۵، مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

منابع انگلیسی و اینترنتی

14. <https://fa.wikipedia.org/wiki/زبانشناسی> [2017/07/17, 12:13]
15. <https://en.wikipedia.org/wiki/Semiotics> [2017/07/17, 11:34]
16. <https://fa.wikipedia.org/wiki/کاربردشناسی>, [2017/07/17, 10:41]